

## تحلیل کیفی افزایش بزهکاری در اطفال و نوجوانان، دادگاه اطفال فارس

آیدا بشکار \*

دانشجوی کارشناسی حقوق، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران.

### چکیده

بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیرباز یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری بوده است و به‌ویژه اگر جرایم از طرف اطفال و نوجوانان ارتکاب یابد؛ این مسئله یکی از مهم‌ترین مسائل در نظام قانون‌گذاری کشور است. این مقاله یک مقاله‌ی پژوهشی به روش توصیفی تحلیلی است که به‌منظور معرفی انواع بزهکاری در اطفال و نوجوانان و روش‌های پیشگیری این موضوع انجام شده است. در این مقاله، تلاش شده است به بررسی پیشگیری جرایم و جلوگیری از افزایش بزهکاری با نگاهی به اسناد داخلی مطالعه موردی فارس/شیراز، پرداخته شود. همچنین، نتایج بیانگر این امر است که دادرسی اطفال و نوجوانان از مباحث مهم حقوق کیفری است که نادیده گرفتن آن به مثابه تضییع حقوق کودکان، محسوب می‌شود. به‌طور کلی در ادامه به مفهوم جزئی و کلی در رابطه با بزهکاری و جرایم در اطفال و نوجوانان در حیطه‌ی قوانین مربوطه، پیشگیری و انواع روش‌های پیشگیری از بزهکاری، اشاره خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری، اطفال و نوجوانان، دادگاه اطفال، قوانین مربوطه، پیشگیری از بزهکاری

## مقدمه

بزهکاری کودکان و نوجوانان، شدیدترین گونه‌ی ناسازگاری این دسته با جامعه و بارزترین نشانه‌ی خطر در زمینه‌ی میزان احتمال ماندگاری آنان در وادی مجرمانه، به‌شمار می‌رود. درواقع ارتکاب این پدیده از سوی اطفال و نوجوانان، نشانگر برخورداری این گروه از ظرفیت، استعداد جنایی و توانایی نقض بایدها و نبایدهای کیفری، حتی به شکل پیاپی در آینده است.

براساس آمار سازمان جهانی بهداشت، سالانه ۲۰۰ هزار نفر نوجوان و جوان در اثر خشونت، جان خود را از دست می‌دهند. خشونت و قتل در میان این قشر از جامعه، چهارمین عامل مرگ‌ومیر نوجوانان جهان به‌شمار می‌رود. بنا بر آمار این سازمان، شدت خشونت در سن بلوغ و اوایل نوجوانی، بین افراد ۱۸ تا ۲۰ سال افزایش می‌یابد و میزان گرایش به خشونت و قانون‌شکنی در میان نوجوانان تا سال ۲۰۱۵ در حدود ۴۰ درصد، اعلام شده است.

عباس عنصری‌فرد، وکیل پایه یک دادگستری در پاسخ به علل و عوامل جرایم در اطفال به آتیه‌آنلاین گفت: «علل و عوامل درونی، وضعی و محیطی در تمام جرایم مشترک است اما در حوزه اطفال و نوجوانان، عامل خانواده را به‌عنوان یکی از شاه‌بیت‌های عوامل مؤثر در بررسی پرونده‌های شخصیت می‌بینیم. ناهنجاری‌ها و اختلالات خانوادگی اعم از جدایی پدر و مادر، فوت پدر یا مادر یا هر دو، بدسرپرستی پدر، مادر یا هر دو، محل زندگی، محیط دوستان و همسالان و همچنین وضعیت درآمدی در ارتکاب جرایم، اثر مستقیم دارند.»

این دکترای حقوق قضایی با اشاره به این که آمار بزهکاری و جرایم در اطفال و نوجوانان در کشور سیاه و بسیار بالاست، تصریح کرد: «در حوزه بررسی جرایم از نظر جرم‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی، همواره «آمار» محرمانه تلقی می‌شوند و به همین سبب، نه تنها آمارهای در دسترس خیلی قابل استناد نیستند، بلکه متأسفانه امکان تحلیل آماری در این زمینه در کشور وجود ندارد.»

وی افزود: «اگر طفل یا نوجوانی مرتکب جرمی شود، عمدتاً کشف نمی‌شود و در صورت کشف، شکایت نمی‌شود و اگر شکایت هم شود، در مرحله کلانتری یا دادسرا برای جلب رضایت تلاش می‌شود و بنابراین به‌ندرت به محکومیت و آمار می‌رسند.»

## آمار جرایم پرتکرار در نوجوانان

عنصری‌فرد با بیان این که بین ۲ تا ۲۵۰۰ عنوان مجرمانه وجود دارد، تأکید کرد: «بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ عنوان مجرمانه وجود دارد که عمدتاً برای آن‌ها پرونده واقعی اطفال ایجاد می‌شود و از بین این عناوین، شش عنوان مجرمانه از جمله جرایم رانندگی بدون گواهینامه، شرب خمر و مصرف مشروبات الکلی، جرایم مرتبط با مواد مخدر، سرقت، ایراد ضرب و جرح و اعمال منافی عفت، بیشترین آمار را به خود اختصاص می‌دهند و از جرایم پرتکرار بین اطفال و نوجوانان، به‌شمار می‌آیند.»

## سطوح پیشگیری از بروز خشونت

این وکیل پایه یک دادگستری گفت: «راهکاری‌های جلوگیری از ارتکاب جرم اطفال و نوجوانان در سه سطح پیشگیری، قابل پیگیری است. در پیشگیری سطح اول آموزش و ارتقاء فرهنگ، در سطح پیشگیری وضعی محیط‌های جرم‌زا و جرم‌خیز کنترل می‌شود و در پیشگیری سطح سه، اقدامات بالینی و درمانی مدنظر است.»

وی ادامه داد: «در سطح یک، باید به گونه‌ای عمل شود که اساساً زمینه ارتکاب خشونت در کودکان از بین رفته و بر نهاد خانواده و تحکیم خانواده، تمرکز شود و به مقوله پرورش در مدارس و مهدهای کودک، بیش از پیش توجه

شود. با شناسایی مراکز جرم‌خیز می‌توان به‌صورت وضعی از بروز جرم پیشگیری کرد؛ همچنین در سطح سه، اقداماتی در جهت پیشگیری از تکرار جرم، انجام می‌شود.»

از این رو، باید در یک بستر مناسب و از رهگذر برنامه‌ریزی‌های سنجیده در راستای پاسخ‌دهی به آنان گام برداشت؛ زیرا ماهیت شکل پاسخ‌ها و چگونگی اجرای آن‌ها، بر جهت و آینده رفتاری این کودکان و نوجوانان تأثیرگذار می‌باشد (نیازپور، ۱۳۹۶، صص ۱۴-۱۵).

اصطلاح بزهکاری نوجوانان، نخستین بار در انگلستان و در قرن نوزدهم (۱۸۱۵م) مطرح شد. در آن دوران، جرائم کودک و نوجوان افزایش یافته بود. در آمریکا لایحه‌ی مربوطه به تأسیس دادگاه اطفال در سال ۱۸۹۹ در شیکاگو به مجلس قانون‌گذاری ایلینویز تقدیم شد و به‌صورت قانون نیز درآمد. هم‌زمان با تصویب این قانون، دادگاه اطفال دنور تشکیل شد و این اولین دادگاهی بود که به‌صورت رسمی، شروع به کار کرد. طبق گزارشی که یکی از حقوق‌دان‌ها به نام (گادلی) برای سومین کنگره جرم‌شناسی تهیه کرده است، نشان می‌دهد که هفتاد درصد از کودکان و نوجوانان بزهکار، خانواده‌ای گسسته و ازهم پاشیده‌ای داشته‌اند و آمار مشابه در کشور ایران بر روی اطفال قانون اصلاح و تربیت شهر تهران (۱۳۴۸-۱۳۵۱) نشان داد که بین چهل تا پنجاه درصد این اطفال، متعلق به خانواده‌های ازهم گسسته بوده‌اند. همچنین در پژوهش علمی دیگر که در بند اصلاح و تربیت فارس انجام شده است از لحاظ روانی و فراوانی بزهکاری، نشان داده که بیشترین رقم را نوجوانان بین هجده تا بیست سال مرتکب شده‌اند (۸/۵۳ درصد). بی‌شک یکی از عوامل مؤثر بر وقوع بزه، محیط‌هایی است که بزهکار با آن‌ها سروکار دارد و تحت تأثیر این محیط‌ها، شخصیت آن‌ها شکل می‌گیرد. پیشگیری اجتماعی به تدابیر و اقدامات پیشگیرنده‌ای اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها حذف یا خنثی کردن سلسله عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶، ص ۲۰). پیشگیری اجتماعی تلاش می‌کند با مداخله روان شناختی \_ اجتماعی زودرس، درصدد شناسایی عوامل خطر برآید تا این عوامل را با اجرای برنامه‌های مناسب و رعایت یک‌سری شرایط اساسی، کاهش دهد. مداخله روانی اجتماعی زود هنگام بر این فرض استوار است که هر اندازه، فرد زودتر در معرض خطر قرار گیرد و مشکلات آن پیچیده‌تر و مدت آن طولانی‌تر باشد، به همان میزان احتمال درگیر شدن و پایداری اطفال و نوجوانان در رفتارهای مجرمانه بیشتر خواهد شد و هر اندازه اقدامات پیشگیری کننده زودتر به کمک افراد آسیب‌پذیر بیاید، درگیر شدن آن‌ها در فعالیت‌های مجرمانه، کمتر خواهد بود (مهدوی و حسینی کیا، ۱۳۹۲، ص ۱۵) این عوامل محیطی و اجتماعی به چند دسته تقسیم می‌شوند: فرهنگی، طبیعی و اقتصادی.

محیط فرهنگی: منظور از محیط فرهنگی در جرم‌شناسی و امور کیفری، کلیه جنبه‌های فرهنگی هر اجتماع اعم از آداب، رسوم، اخلاقیات، اعتقادات و نیز مؤسسات مربوط به تعلیم و تربیت و کلیه امور مربوطه به آن‌هاست که به نحوی از انحاء شخصیت اطفال و نوجوانان را تحت تأثیر قرار داده و عامل مؤثری در میزان بزهکاری آنان محسوب می‌شود.

محیط طبیعی: منظور از محیط طبیعی، محیط خارجی است که انسان در آن زندگی می‌کند و می‌تواند به نحوی در بزهکاری افراد مؤثر باشد. این عامل برای اولین بار مورد توجه (بقراط) قرار گرفت؛ این دانشمند به پزشکان توصیه کرده بود که قبلاً در وضع اقلیمی، فصول و باد و هوا را بررسی کنند. ساترلند نیز بحث مشابهی در این زمینه کرده و می‌نویسد که قرن‌هاست بعضی از مکاتب کوشش کرده‌اند عوامل طبیعی رفتار مجرمانه را کشف و ارائه کنند؛ نتایج تحقیقات آن‌ها حاکی است که آمار جرایم علیه اموال در ماه‌های زمستان، بیش از فصول دیگر را نشان می‌دهد و جرایم علیه اشخاص، بیشتر در ماه‌های تابستان اتفاق می‌افتد. این عقاید در مورد بزهکاری اطفال و نوجوانان پذیرفته نیست؛ چرا که جرایم ضد اموال بالاخص سرقت که رقم بزرگ بزهکاری را تشکیل می‌دهد، ممکن است در کلیه

فصول سال متفاوت باشد. مثلاً جرایم جنسی بیشتر در اواخر بهار و اوایل تابستان، خاتمه امتحانات و شروع تعطیلات و جرایم بر ضد اشخاص با تشکیل باند در تابستان، بیشتر از فصول دیگر ارتکاب میابد. فراهم کردن شرایط مطلوب رشد در ابعاد جسمی و روانی برای اطفال و نوجوانان در معرض خطر، اقدامات حمایت کننده‌ای از جنبه فردی است که شامل خصوصیات و ویژگی‌های رفتارهای خاص، نگرش‌ها و مهارت‌های این قشر آسیب‌پذیر است. کودکان و نوجوانان داده‌هایی را از محیط اطراف خود دریافت می‌کنند و براساس خصوصیات خلقی، شخصیتی و میزان توانایی‌ها و مهارت‌های فردی خویش، این داده را پردازش و فرآوری می‌کنند؛ پس لازمه این مهم، بالا بردن آگاهی فردی و اصلاح خصوصیات شخصیت‌هاست (خادمی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۸۱).

بین انواع محیط‌هایی که انسان در طول زندگی در آن‌ها زیست می‌کند، دو محیط خانواده و مدرسه، مهم‌ترین تأثیرات را روی او می‌گذارند؛ به نحوی که بنیان شخصیت هر فرد در دوران کودکی در این دو محیط شکل می‌گیرد و بر همین اساس، این دو نهاد همواره در کانون توجه دست‌اندرکاران تدوین سیاست جنائی بوده‌اند. سیاست‌گذاران جنائی به‌منظور نیل به موفقیت در حوزه‌ی پیشگیری از جرم، پیوسته به کارکرد پیشگیرانه‌ی این دو محیط در زمینه‌ی بزهکاری اطفال و نوجوانان، توجه داشته و دارند. از آنجا که امروزه کرامت انسانی پایه‌ی مشروعیت تصمیم‌گیری‌ها در حوزه‌ی سیاست‌های اجتماعی به نحو عام و سیاست جنائی به نحو خاص و پیشگیری از جرم به نحو اخص محسوب می‌شود، لذا می‌توان گفت که کرامت انسانی همواره باید به‌عنوان محور تدوین حقوق پیشگیری از جرم، به‌عنوان جزئی از پازل سیاست جنائی، نقش‌آفرینی کند. در میان گونه‌های متعدد پیشگیری از بزهکاری، پیشگیری رشد مدار که مخاطب و جمعیت هدف آن، اطفال و نوجوانان هستند، در حوزه‌ی بزهکاری اطفال و نوجوانان، بیشتر موردتوجه قرار گرفته است. این گونه‌ی پیشگیری به‌واسطه‌ی طبع و ماهیت آن که مبتنی بر تعلیم و تربیت است، در مقایسه با دیگر اقسام جرم‌شناسی پیشگیرانه با کرامت انسانی سازگارتر است (عارفی، ۱۳۹۲).

سیاست‌گذاران جنایی، حدود یک سده است که براساس نظریه‌های جرم‌شناختی با متناسب ساختن پاسخ‌ها و توجه به شرایط روانی شخصیتی حساس اطفال نوجوانان بزهکار با رویکرد افتراقی به اقدامات متعارض قانون آنان، پاسخ می‌دهند؛ این رویکرد افتراقی در جهت بازپروری، اصلاح و درمان این گروه از بزهکاران می‌باشد. کنگره ششم انسان‌شناسی جنایی در سال ۱۹۰۶، نخستین گام در راستای اصلاحی-درمانی کردن نظام عدالت کیفری اطفال بود؛ در این کنگره مقرر شد: قاضی باید بتواند برحسب شرایط فردی اجتماعی هر طفل از اقدام‌ها و تدابیر متنوع نسبت به او استفاده کند، هرگونه رفت اصلاحی در قبال طفل باید باتوجه به معاینات پزشکی روانشناختی بررسی سوابق خانوادگی و نیاکان وی باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸). از کنگره ماکور سیاست‌های جنایی به سمت استفاده از پاسخ‌های بازپرورانه در برابر بزهکاری اطفال متمایل شده‌اند تا به این وسیله، اطفال نوجوانان بزهکار به زندگی سالم اجتماعی بازگردند (نیازپور، ۱۳۹۶، ص ۵۸). ارزش و اهمیت موضوع بزهکاری اطفال، مسئله‌ای مهم و غیر قابل تردید در جوامع امروزی است که لزوم پیشگیری از آن نیز، مورد اهمیت است. مشارکت و همکاری خانواده و مدرسه، موضوعی است که در راستای ارتقای کیفیت در اجرای برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری اطفال، پا به عرصه ظهور گذاشته است. اهمیت و نقش ایجاد چنین تصمیم و مشارکتی، خود محصول و زائیده‌ی اهمیت و جایگاه والای هر یک از این دو نماد اجتماعی در بحث پیشگیری از بزهکاری اطفال می‌باشد و گردآوری مطالب در این عرصه، موجب افزایش آگاهی بیشتری که در زمینه «پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان» فعالیت دارند نیز می‌شود.

در این راستا می‌توان با استفاده از تدابیر حمایتی از آسیب‌پذیری بیشتر طفل در قبال جرائم، پیشگیری کرد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشتمل بر ۷۲۸ ماده است که از این میان، فصل دهم شامل مواد ۸۸ تا ۹۵ به مقررات کیفری درخصوص جرائم و بزهکاری اطفال و نوجوان، پرداخته است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در میان

قوانینی که تاکنون به مسئله مجازات جرایم و بزه‌های ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان پرداخته‌اند، از جزئی‌نگری بیشتری برخوردار است؛ به نحوی که در تبصره‌ها و بندهای گوناگون آن سعی شده است تا جزئیات جرایم، بازه سنی مرتبط با آن و نوع مجازات در نظر گرفته، تشریح و تدقیق شود. همچنین باید گفت که در این قانون، مجدداً رویکرد حمایت از حقوق اطفال و نوجوانان، جای خود را به رویکردی داده است که توجه خود را به جرائم اطفال، معطوف کرده است (طهماسبی، ۱۳۹۴، ص ۱۲). مواد ۸۸ تا ۹۵ این قانون به مجازات جرایم اطفال، مربوط است.

انواع بزهکاری در اطفال: بزهکاری را از لحاظ مطالعات اجتماعی و از نظم نظر عرف و قانون، برحسب نوع کاری که انجام می‌دهند می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

(۱) جرایم علیه اشخاص: از جمله جرایم ضد اشخاص ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان بزهکار می‌توان ایراد ضرب و جرح عمدی یا غیرعمدی را نام برد. آقای دکتر شامیاتی در کتاب بزهکاری اطفال و نوجوانان باتوجه به این که انحرافات جنسی را از زشت‌ترین اسباب اختلالات نظام اجتماعی و آسان‌ترین راه‌های شیوع امراض شناخته شده می‌داند، اما هدایت نوع جرایم را جزو جرایمی که علیه اشخاص اتفاق می‌افتد، قرار داده است ولی خانم دکتر تاج زمان در تقسیم‌بندی بزهکاری اطفال و نوجوانان، انحرافات جنسی را در جرگه‌ی جرائمی که علیه نظم اجتماعی و ضد عفت عمومی انجام می‌شود، قرار می‌دهد و به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی بهتر است. ایراد ضرب و جرح عمدی یا غیرعمدی بین اطفال و نوجوانان زیاد است که غالباً به علت شوخی‌های بی‌ملاحظه، خشونت و بی‌احتیاطی آن‌ها، به‌خصوص در قسمت ورزش و انواع بازی‌های مختلف، منجر به صدمه بدنی و گاهی نیز، منجر به قتل می‌شود. همچنین به علت وجود خصلت انتقام‌جویی زیاد بین نوجوانان که برای عصبانیت حدی قائل نیستند و آینده فکری درستی از این عصبانیت ندارند و همچنین به‌واسطه‌ی قدرت جسمی و چالاکی که دارند، اکثراً نزاع‌های عادی بین نوجوانان، منجر به ضرب و جرح و گاه قتل‌های ناخواسته می‌شود. همچنین بیماری‌های روانی و اختلالات منشی و سرعت زیاد، بی‌مبالاتی و عدم توجه به علایم راهنمایی و رانندگی از عوامل مهم ضرب و مجروح کردن انسانی می‌باشد که اکثراً رانندگان جوان عامل آن می‌باشند. مسئله‌ی ارتكاب قتل عمد جوانان، کم و انگیزه‌ی آن با بزرگسالان متفاوت است؛ معمولاً اطفال و جوانان در حال خشم و غضب شدید، دفاع از جان و ناموس یا انتقام‌جویی، مرتکب قتل می‌شوند.

(۲) جرائم علیه اموال: از جمله جرائمی که در کلیه‌ی اجتماعات گذشته و حال به‌طور نسبی وجود دارد، جرایم علیه اموال است که باتوجه به محیط زندگی مردم، میزان و نوع آن در هر اجتماع به اجتماع دیگر، متفاوت می‌باشد. یکی از جرائم مهم علیه اموال که انجام می‌شود، سرقت است که نسبت به سایر جرائم، بین اطفال و نوجوانان بیشتر اتفاق می‌افتد. سرقت عبارت است از ربودن مال غیر به قصد تملک و به‌صورت‌های گوناگون انجام می‌شود. مسئله‌ی سرقت در سنین ۱۳ سالگی، بین نوجوانان از اهمیت خاصی برخوردار است. جرم‌شناسان و روانشناسان معتقدند که باید در این دوران، روش‌های اصلاحی و تربیتی یا درمانی خاص را درمورد مرتکبین به سرقت، اجرا کنند که در صورت عدم توجه به این مسئله با تکرار جرم، این افراد جزئی از سارقین حرفه‌ای درخواهند آمد. همچنین اشیاء و اموالی که مورد سرقت اطفال و نوجوانان قرار می‌گیرد، باتوجه به سن، مقتضیات زمان و مکان و اوضاع اقتصادی اجتماعی متفاوت است؛ مثلاً در زمان جنگ، اطفال و جوانان بیشتر برای رفع گرسنگی و حفظ حیات، مواد خوراکی می‌ربایند و روزهای صلح باتوجه به پیشرفت تمدن موقعیت منطقه، بیشتر اشیایی مانند وسایلی تفنی، تجملی و اسباب بازی را مورد دستبرد قرار می‌دهند. جیب‌بری اطفال و نوجوانان، یکی از مسائل مهم بزهکاری است؛ غالباً پس از تعلیم توسط سارقین حرفه‌ای اقدام می‌کنند؛ کیف‌قاپی یکی از انواع سرقت‌هایی است که توسط نوجوانان انجام می‌شود و در سال‌های اخیر، رواج فراوان یافته است و پس از ربودن کیف به سرعت از محل فرار می‌کنند و شاید بهترین نوع سرقت برای مجرمین نوجوان، همین کیف‌قاپی باشد.

تخریب و ایجاد ضرر و زیان: جرائم ارتکاب بزرگسالان بر ضد اموال با جرائمی که اطفال و نوجوانان بر ضد اموال انجام می‌دهند، بسیار متفاوت است. بزرگسالان کلاهبرداری، خیانت در امانت، صدور چک بلامحل و... انجام می‌دهند، اما جرائمی که اطفال و نوجوان مرتکب می‌شوند، ایجاد ضرر و زیان و ایجاد خسارت مالی نام دارد که امروزه یکی از مسائل حاد جوامع به شمار می‌رود و اغلب در اکثر کشورها، کودکان با شکستن روشنایی معابر و جاده‌ها، اماکن عمومی و شکستن صندلی پارک‌های عمومی، شیشه درب و پنجره، وارد کردن خسارت به علایم راهنمایی و رانندگی و خش انداختن به وسایل نقلیه و... مرتکب جرم می‌شوند و معمولاً علت بروز چنین جرائمی، کسب لذت، تفریح و خوشگذرانی می‌باشد که اصول و قواعد اخلاقی را زیر پا گذاشته و به‌طور ناخودآگاه می‌خواهند انتقام خود را از جامعه‌ای که آنان را در قید و بند مقررات قانونی قرار داده است بگیرند.

در بزهکاری: در بزهکاری اطفال، طفل مسئولیت جزایی ندارد ولی مسئولیت مدنی دارد. اطفال به دو دسته‌ی صغیر ممیز و غیر ممیز، تقسیم می‌شوند؛ صغیر ممیز توانایی تمیز دادن خوب و بد را دارد ولی غیر ممیز، فاقد این قدرت تمیز است. کودک‌ی دوره‌ای از حیات انسان است که از بدو تولد تا زمان بلوغ را شامل می‌شود؛ این مرحله از حیات آدمی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. اولین دوره: در اولین دوره کودکی، چون طفل قادر به درک تشخیص خوب و بد اعمال و رفتار نیست، آن را دوره‌ی عدم تمیز و کودک را غیر ممیز می‌نامند که به‌طور کلی از مسئولیت کیفری مبرا است. دومین دوره: زمانی است که نیروی عقلانی و درک کودک رشد پیدا می‌کند و در این دوره، کودک با درک حسن و قبح اعمال خود و تشخیص سود و زیان در آستانه‌ی بلوغ قرار می‌گیرد که او را کودک ممیز می‌نامند.

مسئولیت کودک ممیز در بزهکاری: کودک ممیز را صاحب‌نظران و قانون‌گذاران با رعایت شرایطی از نظر کیفری مسئول می‌شناسند. کودک‌ی به‌عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌باشد که عبارت است از: قیدیات شخصی و درونی که باعث مبرا شدن شخص از مسئولیت کیفری می‌شوند و فرد مجازات نمی‌شود و مسئولیت مدنی به قوت خود پابرجا است.

کودکان فاقد مسئولیت جزایی هستند: اگر چه طبق قوانین جزایی، کودکان فاقد مسئولیت بوده و از مجازات معاف هستند، اما با وجود این برای جلوگیری از بزهکاری دوباره آن‌ها و حمایت جامعه در برابر گزند جرائم این افراد، لازم است که اقدامات موثری در جهت اصلاح و تربیت اطفال، انجام شود. بر همین اساس (بزهکاری اطفال) رسیدگی به جرایم کودکان در دادگاه اطفال می‌باشد و به علاوه، مجرمین نوجوان را به جای زندان در محل‌های خاص به نام کانون اصلاح و تربیت، نگهداری می‌کنند.

تاثیر سن و جنس در بزهکاری اطفال: دختر یا پسر بودن طفل، معیاری را در نوع و میزان جرم مایل می‌کند؛ به این صورت که اصولاً دختران جرائم کم اهمیت‌تر و جرایم کم‌تری را نسبت به پسران مرتکب می‌شوند. معمولاً تعداد دختران بزهکار، بسیار کم‌تر از پسران است؛ چون وضعیت این گروه، کم و بیش نادیده گرفته می‌شود. دختران به دلیل این که معمولاً خود قربانی جنایت هستند، مخصوصاً تجاوزات جنسی، بروز واکنش متناسب نسبت به وضعیت آنان با شدت بیشتری احساس می‌شود و شاید کم بودن جرایم دختران نسبت به پسران به لحاظ حمایت بیشتر از سوی خانواده، جامعه و مؤسسات می‌باشد که آسیب‌پذیری آن‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین نوع جرایم هم بین دختران و پسران متفاوت است؛ دختران به جرائمی مانند فحشا و پسران به جرائم خشونت‌آمیز، تمایل دارند (hekmat.com).

ضرورت پژوهش، به وجود آمدن الگوهای مؤثر در سطح جامعه با آگاهی بالا برای جلوگیری و کاهش بزه در اطفال و نوجوانان می‌باشد (کرمی، ۱۳۹۷). راه‌های جلوگیری از ارتکاب بزهکاری در سه سطح قابل پیشگیری است: در پیشگیری سطح اول آموزش و ارتقاء فرهنگ، در سطح پیشگیری وضعی سطح دوم، محیط‌های جرم‌زا و جرم‌خیز کنترل می‌شود و در پیشگیری سطح سه نیز اقدامات بالینی درمانی مدنظر، انجام می‌شود.



در اینجا سوالی در رابطه با موضوع پیش می‌آید که آیا صراحتاً و به‌طور واضح، بزهکاری در اطفال و نوجوانان رو به افزایش است؟ و تنها مجازات‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی برای کاهش این موضوع کافیت؟

باید این‌گونه بیان کرد که بله، بزهکاری در اطفال و نوجوانان روزانه در حال افزایش است و با افزایش جرایم و نارسایی روش‌های مقابله با آن، این اندیشه به وجود می‌آید که مجازات به تنهایی برای حفظ امنیت جامعه کافی نیست و باید تدابیر دیگری برای صیانت نظم اجتماعی و پیشگیری از ارتکاب جرایم، پیدا کرد. دانشمندانی چون «اندیکوفری» نویسنده کتب «جامعه‌شناسی کیفری» و «رافائل گاروفالو» صاحب کتاب «جرم‌شناسی» و سزار لمبرو نویسنده کتاب «انسان جنایتکار» درباره کفایت مجازات در مقابله با جرایم و بزه، مورد توجه قرار گرفته است. از نظر مکتب تحقیقی، مسئولیت اخلاقی که مبنای اصلی مجازات می‌باشد، نفی می‌شود و به انسان بزهکار به‌عنوان مریض که باید تحت درمان و معالجه قرار گیرد، نگریسته می‌شود. بنابراین چون مجازات‌ها دفاع جامعه را تأمین نمی‌کنند، باید برای جلوگیری از زیان، حالت‌های خطرناک متناسب با وضع مزاجی، استعداد، منش و سوابق فرد خاطی، تدابیری اندیشید تا بهبود یافته و به اجتماع بازگردد. برای مقابله با گسترش فرهنگ بزهکاری بین اطفال و نوجوانان، باید در امر فرهنگ‌سازی و حمایت مالی از کانون‌های اصلاح و تربیت و نهادهای خیریه، تلاش بیشتری شود. دادرسی عادلانه و کارآمد در نظام قضایی، باید با اتخاذ راهکارهای مؤثر به بازسازی شخصیت، آموزش، تربیت و اصلاح اطفال و نوجوانان همت گمارند و از روش‌های تنبیهی سرکوبگر و فرستادن آنان به مؤسسات بسته پرهیزند و فقط به‌عنوان آخرین راه چاره و در صورت ضرورت از آن استفاده کنند. قوانین و مقررات کیفری ایران از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌تواند باعث کنترل، پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی اطفال و نوجوانان بزهکار شود. اما در کنار خلاءهای قانونی موجود، عدم اجرای وظایف توسط دستگاه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط و همچنین عدم نظارت کافی بر فعالیت این نهادها در جهت اجرای وظایف محوله از جمله کاستی‌ها می‌باشد که در جهت رفع این مشکل، باید به‌دنبال ایجاد سازوکارهای لازم برای نظارت بر فعالیت این نهادها برای انجام وظیفه خود در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان باشیم و در کنار نظارت بر نهادهای ذی‌ربط، باید به‌دنبال ایجاد نهادهای جدید و کارآمد باشیم.

اسناد و قطعنامه‌های مختلفی از سوی سازمان ملل صادر شده است که بعضی از آن‌ها به مثابه قانون است و جنبه الزامی دارند و در مقابل، برخی دیگر از این اسناد، جنبه ارشادی داشته و فاقد جنبه الزام است. درمورد اسناد الزام‌آور ناظر بر اطفال بزهکار باید گفت که تنها معاهده حقوق و اطفال، از این جنبه الزام‌آوری برخوردار است. این معاهده از طریق مراقبت‌های اساسی آموزشی و بهداشتی، رسیدگی به حقوق کودکان را آغاز کرده است و در عین حال از کودکان و نوجوانان در مقابل بهره‌کشی و سوءاستفاده‌های مختلف، از جمله بهره‌کشی در زمینه‌ی کاری، حمایت می‌کند. طبق اخبار خبرگزاری میزان در فروردین ماه ۱۴۰۱، رییس کل دادگستری استان فارس با حضور در کانون اصلاح و تربیت شیراز با مددجویان نوجوان، ملاقات کرد. وی در این ملاقات ضمن دیدار چهره به چهره با نوجوانان این مرکز و بررسی امکانات آموزشی، تربیتی، بازپروری و تفریحی در این کانون، آخرین وضعیت پرونده‌های قضایی آنان را بررسی کرد. رییس شورای قضایی استان فارس، همچنین توجه به مسائل پژوهشی در حوزه روانشناسی و جامعه‌شناسی در کانون‌های اصلاح تربیت را زمینه‌ی پیشگیری و کنترل ارتکاب جرم بین کودکان و نوجوانان خواند و تصریح کرد: «در این راستا، لازم است به وقوع جرائم در فضای مجازی و شیوه‌های جدید ارتکاب، توجه شود.» در پایان این دیدار بر توجه قضات به اعمال دستورالعمل کاهش جمعیت کیفری نسبت به مددجویان کانون اصلاح و تربیت و همچنین استفاده از مجازات‌های جایگزین توسط قضات، تاکید کرد. پاسخ‌های جامعه‌مدار تضمین‌کننده: پاسخ‌های جامعه‌مدار تضمین‌کننده شامل آن دسته از اقدام‌های عدالت کیفری‌اند که در بستر جامعه، به‌دنبال محدودسازی آزادی کودکان و نوجوانان متهم و تضمین حضور آنان در مرحله‌های مختلف فرایند کیفری‌اند. درواقع، این‌گونه پاسخ‌ها

بدون آن که بر سلب آزادی کودکان و نوجوانان متهم متمرکز شوند، صرفاً محدود کردن آزادی این دسته را مورد هدف قرار می‌دهند. این گونه که پاسخ‌های یاد شده، دارای دو ویژگی جامعه‌مدار بودن و محدودسازی آزادی‌اند. پاسخ‌های جامعه‌مدار تضمین‌کننده متعدد هستند که قانون‌گذار ایران، شماری از آن‌ها را نسبت به کودکان و نوجوانان متهم به رسمیت شناخته است (نیازپور، ۱۳۹۶، ص ۴۲).

سپردن اطفال و نوجوانان متهم: پاسخ‌دهی به کودکان و نوجوانان متهم، باید به لحاظ وضعیت این دسته انجام شود؛ زیرا برخورد حقوق‌گیری کودکان و نوجوانان بر آینده سامانه رفتاری این دسته تاثیرگذار بوده و در نتیجه، تعیین یک پاسخ نامناسب می‌تواند سرنوشت آن‌ها را تغییر دهد. در این راستا، دور کردن کودکان و نوجوانان متهم از خانواده که شاخص‌ترین محیط برای پرورش و تربیت آن‌ها به‌شمار می‌رود، چندان مناسب نیست. بنابراین، استفاده از این سازوکار، از یک سو از مدت حضور و ماندگاری این دسته از متهم‌ها در قلمرو و عدالت کیفری می‌کاهد و از سوی دیگر، از احتمال خوردن برچسب مجرمانه به آن‌ها که در مرحله رشد قرار دارند، کم می‌کند. سپردن کودکان و نوجوانان متهم به خانواده برای نخستین بار در ماده ۱۹ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار ۱۳۳۸ پیش‌بینی شد. مطابق این ماده (در جریان تحقیقات مقدماتی به تشخیص دادگاه، ممکن است طفل به ولی یا سرپرست او تسلیم شود با التزام این که هر وقت دادگاه اطفال او را خواست، معرفی کند و در صورت عدم معرفی، وجه التزام راپردازد). این گونه، تدوین‌کنندگان این قانون، سپردن این دسته به ولی یا سرپرستان را به رسمیت شناخته بودند. بدیهی است که در پایه این ماده، منظور از ولی همان پدر و جد پدری بوده و سرپرستان نیز دربرگیرنده آن دسته است که به موجب قانون نگهداری اطفال و نوجوانان متهم به آنان واگذار می‌شود؛ مانند قیم. روی هم رفته، در این قانون سپردن این دسته به خانواده امکان‌پذیر بود اما، این تدبیر از دو جهت ایراد دارد. یک: این که در این ماده این سازوکار حتی از حیث نگارش بر دیگر پاسخ‌های تضمین‌کننده برتری نیافته بود. از این رو، ابتدا سازوکار نگهداری موقت و سپس سپردن، مورد توجه قرار گرفته بود. به نظر می‌رسد که مناسب‌تر بود در این ماده، پیش‌تر سپردن و سپس نگهداری موقت به‌عنوان پاسخ‌های تضمین‌کننده شناسایی می‌شدند تا به این واسطه، اصل کمینه بودن استفاده از پاسخ‌های سلب به شکل درست به اجرا درمی‌آمد؛ زیرا این شکل نگارش در ماده ۱۹ قانون اطفال و نوجوانان، بیانگر اصل پیشینه بودن استفاده از تدابیر سلب آزادی بود (نیازپور، ۱۳۹۶، ص ۴۳).

عوامل بیرونی بزهکاری: منظور از عوامل بیرونی بزهکاری اطفال، مجموعه علل، اسباب و اموری است که موجب رفتار بزه، حالت ضد اجتماعی، ظهور و بروز عملکرد خلاف قانون، بهم خوردن نظم عمومی و اتلاف حقوق افراد جامعه، توسط اطفال و نوجوانان می‌شود. در این مقاله، تلاش شده است تا عوامل موردنظر را در حد امکان، مورد شناسایی و ارزیابی قرار دهد تا با رسیدن و دستیابی به سلامت فکری، روحی، روانی، عاطفی و حتی جسمی اطفال که همانا سلامتی جامعه به این مورد بستگی دارد، سهیم باشد. براساس یافته‌های این تحقیق، بزهکاری اطفال، ناشی از عوامل متعدد بیرونی و مشخصی است که در صورت اصلاح و تغییر این عوامل، امکان پیشگیری از بزهکار شدن اطفال و در نهایت رسیدن به جامعه ایده‌ال و آرمانی، وجود دارد (امیری، ۱۳۹۹، ص ۲۶).

تأکید بر نقش پلیس ویژه اطفال: پلیس ویژه اطفال در لایحه رسیدگی به جرائم اطفال مصوب هزار و سیصد و هشتاد و سه، اشاره ولی منجر به تصویب نشد و همچنین قانون برنامه توسعه که به‌صورت ضمنی به موضوع پلیس ویژه پرداخته بود نیز اجرایی نشد و از این رو، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب هزار و سیصد و نود دو در ماده سی و یک، اقدام به ایجاد پلیس مخصوص اطفال و نوجوانان کرده و سازمان پلیس مخصوص اطفال و نوجوان را ایجاد کرده است؛ سازمان پلیس، مکلف به تشکیل آن شد (عبداللهی، ۱۳۹۷، صص ۱۹۵-۲۲۰). برقراری عدالت اجتماعی که هدف اصلی هر نظام حقوقی است، در گرو رسیدگی کامل به حقوق زیان‌دیده و احقاق حق اوست. از طرفی، عدالت حکم



می‌کند که هر عکس مسئول اعمال خود باشد. در این بین، وضعیت خسارات ناشی از فعل طفل، مورد مناقشه است. تحلیل مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حاکی از رهنمودهای نوین در باب مسئولیت والدین در امور کیفری و جرائم اطفال است و در این قانون، مسئول جبران خسارت ناشی از جرائم اطفال در تمامی موارد، به‌طور صریح مشخص نشده است. بنا بر اصل مذکور، باید سرپرست از اموال خود خسارت ناشی از بزه طفل را جبران کند، مگر آن که با ادله و امارات روشن، عدم تقصیر خود را بر دادگاه اثبات کند. اما به نظر می‌رسد در قانون حمایت خانواده، باید به این امر توجه می‌شد و به حمایت از حقوق کودک و اموال وی با مسئول دانستن والدین، همت گمارد (سبحانی و امیرحسینی، ۱۳۹۶).

در ایران نیز آمارهای تکان‌دهنده از گسترش جرایم و جنایت اطفال منتشر شده است که حاکی از قرار گرفتن کشور در معرض مخاطرات اجتماعی را دارد و عمده این مشکلات، ناشی از عدم وجود امنیت اقتصادی و اجتماعی برای کودکان و زنان است. بر این اساس، نگارنده با انتخاب این موضوع به بررسی مسئولیت کیفری اطفال در قانون جدید و سابق آیین دادرسی کیفری ایران و چالش‌های حقوق کیفری اطفال در ایران می‌پردازد که این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که اقدامات لازم برای رسیدن به یک سن واقعی مسئولیت کیفری، چگونه است؟

برای پیشگیری از شیوع ارتکاب افعال مجرمانه در بین اطفال، مسئولین قضایی کشور باید اقدام به تنظیم و تدوین لوایح و قوانینی جامع و متناسب با اوضاع و احوال اجتماعی کنند تا ضمن پیشگیری از ارتکاب جرم در اطفال، ارتکاب این افعال را در ایشان به حداقل ممکن برسانیم. سرانجام پس از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و الحاق ایران به کنواسیون حقوق اطفال که در مجلس شورای اسلامی نیز به تصویب رسیده است، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۹۳۱ به شرایط رسیدگی در دادگاه‌ها در مواد ۴۱۱ الی ۴۷۱ این قانون اشاره داشته و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۹۳۱ نیز، تقسیمات جدیدی از سن مسئولیت کیفری ارائه شده که نگارنده را بر آن داشته تا با انتخاب این موضوع، ضمن بررسی قوانین و مقرراتی که تاکنون در زمینه مسئولیت کیفری و سن بزهکاری اطفال به تصویب رسیده را مورد نقد و بررسی قرار داده و در بررسی طبّی با حقوق کیفری اطفال در گذشته و حال، علاوه بر اشاره به نقاط ضعف و قوت قانون ایران، راهکارهای اصلاحی و تجدیدنظر در قوانین و مقررات اطفال در ایران را مدنظر قرار دهد. حمایت قانونی از کودکان با توجه به سازوکارهای سیاست جنایی تا چه اندازه در راستای توسعه برنامه‌های حمایتی از این قشر آسیب پذیر کارآمد خواهد بود؟ تحلیل و ارزیابی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان از منظر سیاست جنایی با رویکردی انتقادی به این سؤال پاسخ می‌دهد (محمدبیگی و همکاران، ۱۴۰۱).

### بررسی سن بزهکاری اطفال در حقوق ایران

در بررسی به عمل آمده از قوانین کیفری ایران، خواهیم دید که ماهیت حقوقی مسئولیت کیفری که نسخ شده است، اشاراتی گذرا به مسئله جرایم اطفال و مسئولیت کیفری آنان در قوانین ۱۳۳۸ قبل و بعد از انقلاب شده است. فلذا در این گفتار، سن بزهکاری اطفال را در قوانین بعد از انقلاب اسلامی ایران، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. مورد توجه قرار گرفت که کلیه قوانین موجود، باید براساس موازین شرعی و اسلامی باشد؛ اصل ۴ ق.ا.ج.ا. (بر این اساس در اصلاح، تغییر و تحول مفاد قوانین سابق، اقداماتی به عمل آمده و این تغییرات، حقوق کیفری اطفال را نیز شامل شده است. در قانون مجازات بعد از انقلاب، قانونگذار کودکانی را که به حد بلوغ شرعی نرسیده‌اند، فاقد مسئولیت کیفری و غیرقابل مجازات می‌داند).

## بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۷

در قوانین پس از انقلاب، نکاتی در مورد مسئولیت کیفری اطفال، مدنظر قرار گرفته که عبارتند از:

الف) تغییر سن بلوغ و قابلیت برای پذیرش تکالیف و مسئولیت‌ها

ب) اصل عدم مسئولیت کیفری اطفال مگر در موارد استثنایی

در این قسمت، تحولات حقوق جزا را در خصوص مسئولیت کیفری اطفال، مورد توجه قرار خواهیم داد.

## جرائم اطفال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

ماده ۴۳ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبرا از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالقتضاء قانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد؛ تبصره ۱: منظور از طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۱: منظور از طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی، نرسیده باشد.

تبصره ۲: هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار، تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه باید به میزان و مصلحت باشد. با عنایت به این ماده و تبصره‌های آن، نکات قابل استنباط عبارتند از:

۱) عدم مسئولیت کیفری اطفال به‌طور مطلق که ناشی از بی‌توجهی قانونگذار به وجود قوه تمیز در صغار می‌باشد و آیات و روایات نیز بین اطفال ممیز و غیرممیز، تمایز قائل شده و در برخی موارد، اطفال ممیز را دارای مسئولیت کیفری می‌داند.

۲) عدم تعریف حد بلوغ شرعی به تبعیت از ماده ۲۶ ق.م.ا. سال ۶۱ که ناگزیر باید به تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م. رجوع کرد که براساس آن، بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری می‌باشد، لکن در اشکال وارد بر این مسئله، باید بیان کرد که تحمیل مسئولیت به اطفال در این سنین، عاقلانه نبوده؛ چرا که این افراد به لحاظ رشد عقلی به کمال قصد و اختیار نرسیده‌اند.

۳) توجه به این نکته که برخورد با اطفال بزهکار، مجازات نبوده و بلکه جنبه تربیتی دارد.

۴) رفع ابهام از تبصره ۳ ماده ۲۶ در خصوص کیفیت اجرای تنبیه بدنی که میزان آن مشخص نشده بود، در ماده ۴۳ ق.م.ا. ۷۹۱۱ تنبیه را به میزان و مصلحت فرد، توصیه می‌کند (شاملویی، ۱۳۷۵، ص ۲۱؛ محمدبیگی و همکاران، ۱۴۰۱). جرم‌شناسان در خصوص آثار سوء رسیدگی به جرایم اطفال به‌صورت غیرتخصصی و همراه با مجرمان بزرگسال و سابقه‌دار، بسیار سخن گفته‌اند. در حقوق کیفری ایران نیز اولین بار در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار که صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال بین ۶ تا ۱۸ سال را داشت، تأسیس شد اما پس از انقلاب، قانونگذار رسیدگی به جرایم اطفال را تابع قواعد عمومی و همراه مجرمان بزرگسال قرار داد و تمایلی به ایجاد محاکم اختصاصی از خود نشان نداد. البته این تصمیم دوام نیاورد و در نهایت به موجب ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۷۸، شعب تخصصی از محاکم عمومی برای رسیدگی به جرایم اطفال، اختصاص یافت. قانون جدید مجازات اسلامی نیز به‌طور خاص، رسیدگی به جرایم کودکان را مورد توجه قرار داده است؛ اتفاقی که مزایای زیادی برای آن شمرده شده است.

## سن پایان کودکی

فریده طه، وکیل پایه یک دادگستری با بیان این که درباره تعیین حداکثر سنی که فرد زیر آن سن، کودک محسوب شود، دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است می‌گوید که کنوانسیون حقوق کودک، به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی

که امروزه تقریباً همه کشورهای دنیا به آن ملحق شده‌اند، در ماده یک خود، کودک را فرد کمتر از ۱۸ سال معرفی کرده است. به گفته‌ی این استاد دانشگاه، رویکرد فعلی نظام حقوقی ما نیز به سمت پذیرش سن ۱۸ سالگی می‌رود، آن گونه که در برخی لوایح جدیدی که هنوز به تصویب نهایی نرسیده‌اند، سن ۱۸ سالگی ملاک پایان دوران کودکی قلمداد شده است.

### کودک در قانون مجازات جدید

با این حال باتوجه به مراحل شکل‌گیری شخصیت کودک و جامعه‌پذیری تدریجی وی، متخصصان قائل به طبقه‌بندی و تفکیک دوران کودکی از بدو تا ختم آن شده‌اند، به نحوی که در هر دوره حقوق و مسئولیت‌هایی را برای وی لحاظ کرده‌اند. وی ادامه می‌دهد: در قانون مجازات اسلامی جدید نیز در کنار پذیرش سن ۱۸ سالگی به‌عنوان سن کودک و نوجوان، یک تقسیم‌بندی دیگر نیز داشته به نحوی که دوره کودکی و نوجوانی را به چهار دوره، شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی، تقسیم کرده است. این در حالی است که به‌موجب قانون سابق، طفل در تبصره یک ماده ۴۹، به‌عنوان فردی که هنوز به بلوغ شرعی نرسیده است، تعریف شده بود. در قانون جدید، ضمن این که سن کودک را تا ۱۸ سالگی معرفی کرده با ارائه تعریف سن بلوغ، مسئولیت کیفری را برای گروهی از اطفال و نوجوانان، شناسایی کرده است.

### تحول در جرایم تعزیری و حدود و قصاص

در قانون مجازات اسلامی جدید، مصوب ۹۲ با پذیرش مسئولیت تدریجی اطفال و نوجوانان و درجه‌بندی جرایم تعزیری، شاهد تحولات زیادی هستیم. این تحولات در دو بخش جرایم تعزیری و حدود و قصاص، قابل توجه است. طه درباره جرایم تعزیری می‌گوید: «درمورد کودکان زیر ۹ سال مرتکب این جرایم، فقط اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذ می‌شود. درخصوص کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال (دوره دوم و سوم) تصمیم‌هایی برای اصلاح و تربیت آنان با تأکید بر مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان قانونی، گرفته می‌شود که از جمله واگذاری کودک به والدین و سرپرستان قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت کودک و نوجوان یا در صورت صلاحیت نداشتن والدین، واگذاری کودک به افراد یا مؤسسات دیگر، قابل ذکر است. البته در این مورد، مقررات مربوط به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، درمورد سلب حضانت از والدین نیز، باید رعایت شود.» این وکیل پایه یک دادگستری، درمورد نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال نیز می‌گوید: «ماده ۸۹ تکلیف را روشن کرده و براساس آن در صورت ارتکاب جرایم تعزیری از سوی این گروه، مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی و ارائه خدمات عمومی برای آنان در نظر گرفته شده است. یعنی در قانون جدید، ضمن طبقه‌بندی جرایم تعزیری به درجه‌های مختلف، برای هر دوره سنی از کودکان، درجه‌هایی از این نوع مجازات اعمال می‌شود.» وی درمورد جرایم حدود و قصاص نیز می‌گوید: «به موجب تبصره ۲ ماده ۸۸، درمورد اطفال مذکور ۱۲ تا ۱۵ و قبل آن یعنی ۹ تا ۱۲ نیز، همان تصمیم‌های مندرج در ماده ۸۸ اتخاذ می‌شود. قابل تجدیدنظر بودن این تصمیم‌ها از سوی دادگاه اطفال، هر چند بار که مصلحت کودک اقتضا کند، قابل تبدیل بودن مجازات نگهداری در کانون و جزای نقدی به مواردی دیگر که به مصلحت کودک و نوجوان باشد، قابل تبدیل بودن مجازات حدود و قصاص به جرایم تعزیری درمورد کودکان بالغ کمتر از ۱۸ سال در صورت شبهه در کمال عقل و رشد کودکان، از جمله موارد مهم و قابل توجه در لایحه جدید است.

## مزایای تحول‌های جدید

وی با بررسی مفید بودن یا نبودن این تحولات ادامه می‌دهد: «در قانون جدید مجازات مصوب ۹۲، خصوصاً در جرایم تعزیری که مسئولیت تدریجی پذیرفته شده، تفکیک میان دختر و پسر از بین رفته و مجازات بدنی مانند شلاق حذف شده است.» طه ادامه می‌دهد: «در قانون جدید، تعویق صدور احکام اطفال و فقدان آثار محکومیت کیفری نیز پذیرفته شده که تحولات مثبتی به حساب می‌آید.» به گفته وی: «به موجب استانداردهای بین‌المللی، رویکرد کاهش توسل به مداخلات قانونی، قضازدایی و اتخاذ تدابیر عینی که شامل بسیج همگانی تمام منابع از جمله خانواده، گروه‌های جامعه، مدرسه‌ها و سایر مؤسسات اجتماعی است، از جمله اصول مهم در اجرای عدالت نوجوانان است. همچنین سپردن کودک به والدین و سرپرستان قانونی که در ماده ۸۹ از آن نام برده شده، اقدام مناسبی است و تکلیف والدین برای تأدیب، تربیت مشخص و نظارت بر اقدامات آنان نیز در نظر گرفته شده است.»

## نحوه رسیدگی به جرایم کودکان

به گفته فریده طه همان‌گونه که بیشتر استانداردهای بین‌المللی، دولت‌ها را برای ایجاد آیین‌های دادرسی، تأسیس نهادهای مستقل یا تخصصی برای رسیدگی به پرونده‌هایی که در آن کودکان متهم هستند، تشویق می‌کنند، فصل پنجم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز، به نحوه رسیدگی به جرایم اطفال اختصاص دارد. وی می‌گوید: «نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در قانون ایران، میان جرایم ارتكابی کودکان و بزرگسالان، آن‌گونه که در برخی از نظام‌های حقوقی دنیا وجود دارد، تفاوتی وجود ندارد. در برخی از کشورها، جرایمی با عنوان «جرایم خاص کودکان و نوجوانان» وجود دارد، البته کنگره هشتم پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل در سال ۱۹۹۰، حذف این موارد را از نظام قانونگذاری کشورها درخواست کرده است. در کشور ما نیز براساس تبصره ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، به تمام جرایم اشخاص بالغ کمتر از سن ۱۸ سال در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود اما باید توجه داشت که در کنار شعبی از دادگاه‌های عمومی جزایی برای رسیدگی به جرایم کودکان، دادگاه‌های اختصاصی دیگری مانند دادگاه انقلاب و دادگاه کیفری استان نیز به‌طور خاص به برخی از جرایم کودکان، رسیدگی می‌کنند.» وی موضوع مهم در این باره را این‌گونه توضیح می‌دهد: «اگر کودک جرایمی که مثلاً در صلاحیت دادگاه انقلاب است را مرتکب شود، به موجب آرا وحدت رویه، به ترتیب در دادگاه اطفال و دادگاه کیفری استان به جرم او رسیدگی می‌شود.»

## اطفال در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری

طه درخصوص تحولات «لایحه جدید آیین دادرسی کیفری» درخصوص اطفال که در شرف تصویب است نیز می‌گوید: «لایحه جدید درباره جرایم اطفال و نوجوانان، دارای تحولات مثبتی است که تشکیل دادرسی تخصصی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازرس، یکی از این اقدام‌های خوب است. در این دادرسی، تحقیقات مقدماتی جرایم نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال انجام می‌شود. البته تحقیق درمورد جرایمی مانند زنا و لواط، هنوز به‌طور مستقیم در دادگاه انجام می‌شود و در لایحه جدید «سایر جرایم منافی عفت» نیز اضافه شده است.» وی دیگر مزیت لایحه جدید را تحقیق جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ مستقیماً در دادگاه عنوان می‌کند و می‌افزاید: «به موجب این لایحه، تحقیق از جرایم کودکان زیر ۱۵ سال چه دختر و چه پسر، جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸، مستقیماً در دادگاه و بالای ۱۵ سال تا ۱۸ سال که پایان دوره کودکی است، در دادرسی ویژه نوجوانان انجام می‌شود»

و اگر جرم در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب باشد، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال، به این پرونده رسیدگی می‌کند.»

### نحوه صدور قرار تأمین در لایحه

در نحوه صدور قرار تأمین درمورد کودکان نیز تغییراتی ایجاد شده است. طه در این باره می‌گوید: «در قانون فعلی با توجه به این که تقسیم‌بندی دوران کودکی و نوجوانی وجود ندارد، قوانین به‌طور یکسان برای همه کودکان زیر ۱۸ سال اعمال می‌شود اما در قانون جدید برای رده‌های سنی تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال، مقررات متفاوتی ایجاد شده است.» وی ادامه می‌دهد: «درمورد اخذ کفیل یا وثیقه که در قانون فعلی بر عهده والدین یا سرپرستان قانونی است، در لایحه جدید فقط از متهمان ۱۵ تا ۱۸ سال اخذ می‌شود که مانند مقررات فعلی، نتیجه عجز از معرفی کفیل یا ابداع وثیقه، صدور قرار نگهداری موقت کودکان در کانون اصلاح و تربیت است. همچنین به موجب ماده ۴۲، تحقیق از دختر بچه‌های ۱۵ سال و کمتر باید از سوی ضابطان آموزش دیده زن انجام شود و در غیر این صورت، پرونده باید به دادگاه اطفال یا قائم مقام آن ارسال شود.» این استاد دانشگاه خاطر نشان می‌کند: «توجه به سازمان‌های مردم‌نهادی که در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان کار می‌کنند، برای اعلام جرم، حضور در کلیه مراحل دادرسی برای اقامه دلیل و اعتراض به آرای مراجع قضایی، همچنین امکان حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و وجود دو مشاور در دادگاه از دیگر تحولات مثبت این لایحه است. موسسه حقوقی تندیس تدبیر و امید.»

### نتیجه‌گیری

درمورد پاسخ‌های واکنشی و آمار و ارقام از تمامی مطالب گفته شده نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوان در این باره داخلی و تحلیل‌هایی که در حیطه کیفری تأکید شده است که نه تنها رویکرد اصلاحی\_ترمیمی داشته باشد، بلکه تا حد امکان از پاسخ‌های سلب آزادی استفاده نشود. به طوری که سپردن این دسته از بزهکاران به خانواده اصلی یا جانشین، به‌عنوان یک پاسخ پیش‌بینی شده است. همچنین اقدامات مناسب همراه با استفاده از امکانات قانونی، اداری، اجتماعی، درمانی و آموزش حرفه‌ای و تحصیلی، تأمین تسهیلات خدمات و سایر مساعدت‌های منقضی در راستای بازپروری کودک بزهکار، تأکید شده و نتیجه آن که بازپروری در مقابل مجازات شایسته قرار داده شده است. چنان که درمورد نظارت بر امور نوجوان بزهکار در کلیه مراحل رسیدگی، مساعدت‌های لازم از قبیل محل سکونت، تحصیل یا آموزش حرفه‌ای اشتغال یا هرگونه مساعدت مفید و عملی به‌منظور تسهیل فرآیند بازپروری برای نوجوانان تأکید شده است. همان‌طور که گفته شد، امروزه مجازات یا همان اقدامات تأمینی، تربیتی نیز برای مقابله با این مشکل کافی نیستند و نیاز به روش‌های نوین در سطح‌های جدید داریم. بنابراین در رابطه با نکات گفته شده، به‌طور کل خلاءهایی هم در قوانین هم در مراحل رسیدگی و افراد مربوطه به این عنوان نیز مشاهده می‌شود. رسیدگی به بزهکاری اطفال و نوجوان، امروزه باید اهمیت بیشتری نسبت به بزهکاری بزرگسال نیز داشته باشد؛ زیرا که همین کودکان هستند که تبدیل به بزرگسالان بزهکار نیز می‌شوند و با کنترل شرایط، محیط و... می‌توانیم کودکان و نوجوانان سالم‌تر و همچنین جامعه‌ای سالم‌تر نیز داشته باشیم.

### منابع

- امیری، سید هدی. (۱۳۹۹). عوامل بیرونی بزهکاری اطفال. *مجله‌ی فقه و قضا*، ۳، ۱۲۳-۱۴۸.
- خادمی، صادق، جانی‌پور، علی، و جانی‌پور، کرم. (۱۴۰۰). پیشگیری از جرائم کودکان. *فصلنامه راهبرد سیاسی*، ۵(۱)، ۲۷۹-۲۹۰.

سبحانی، حسین، و امیرحسینی، امین. (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی سرپرست در قبال بزهکاری اطفال در نظام حقوقی ایران. *مطالعات پلیس زن*، ۲۶، ۷۰-۸۶.

طهماسبی. (۱۳۹۴). *جرائم اطفال*.

عارفی، مرتضی. (۱۳۹۲). نقش خانواده و مدرسه با تحقق پیشگیری کرامت‌مدار از بزهکاری اطفال، *کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه دیدگی کودکان و نوجوانان*.

عبدالهی، سامان، بیرانوند، رضا، و یاراحمدی، حسین. (۱۳۹۷). پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال با تأکید بر نقش پلیس ویژه اطفال. *انتظام اجتماعی*، ۱۰(۱)، ۱۹۵-۲۲۰.

فردی فرد، عباس. (بی تا). وکیل پایه یک دادگستری.

کرمی، داوود. (۱۳۹۷). *جرم‌شناسی و جزا*.

محمدبیگی، علیرضا، اسدی، حبیب، و الهوتی، نوید. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای فقه، ۲(۴)، ۲۷-۵۴.

نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۶). *حقوق کیفری کودکان و نوجوانان*. تهران: میزان.

Hekmat.com  
Tandistadbiromid.ir